

اصول محاکمات مدنی مصر

لزوم قواعد محاکمات

کافی نیست که قانون حق هر فرد از افراد را در قبال سائرین و حکومت تعیین و تحدید نماید زیرا که این نحوه از تحدید در بیشتر اوقات بی فائده است - بل که لازم است قانون راهی را که هر فرد بایمودن آن دیگران را با احترام حقوقش و ادارمینماید بیان و تعیین کند.

و چون دشوار بل محال است با فرد اجازه داده شود که بقوه و اقتدار شخصی دیگران را مجبور با احترام حقوق خود نمایند زیرا ارکان نظم و اساس آسایش در بلاد منهدم و از هم پاشیده میشود.

در ازمنه قدیم هم مردم بحکمیت صاحبان عدل و انصاف در اختلافات موجوده بین خود نراضی مینمودند پس از قوی شدن جماعات و بر قرار شدن حکومت ها مردمان عادل و با قضاة از طرف حکومت تعیین و در اختلافات بین مردم حاکم قرار داده شدند و بتدریج حق افراد بحکومت در باره خود محدود شد تا جائی که بکلی از بین رفت.

و از آن جهت که دادرسان هم مانند سایر مردم در ادراک و حکم متفاوتند برای تضمین حقوق عامه تدوین اصول و ضوابطی که قضاة در صادر نمودن حکم به پیروی آن مجبور باشند لازم است چنانچه منقاضی هم اگر بخواهد از عدل قضاة بر خور دار گردد بقابلیت آئین ها و قواعد مذکور در فوق نا گریز خواهد بود.

بنا بر این قوانین محاکماتی وضع شد و برای هر عمل قضائی طریقه مخصوصی تعیین و مواعدهائی قرار داده شده که در ظرف آن مواعید انجام گیرد و نیز شروط عدیده برای اعمال صحیحه تعیین و بجزاهائی مقید گردید تا در صورت صحیح بودن عمل صاحب آن بحق خود برسد و در صورت صحیح نبودن نتایج بطلان بر آن مترتب گردد.

تقسیم کارهای محاکمات

آئین مراعات نسبت بقبائل و ممالک و ازمنه مختلفه

مختلف میشود خصوصاً از نظر تقسیم آنها بضروری - و کمالی

کارهای ضروری محاکمات

اعمال ذیل در نزد ملل راقیه از نظر حسن سیر عدالت ضروری بوده و بی نیازی از آنها ممکن نیست.

۱ - فرستادن اعلان برای مدعی علیه حاوی اینکه مدعی او چه میخواهد و دلیل او چیست تا مدعی علیه با اطلاع کامل از خود دفاع کند

۲ - تعیین مدت وافی برای مدعی علیه تا در ظرف آن خود را برای دفاع حاضر کرده و در محاکمه حاضر شود

۳ - مستحضر داشتن مدعی از مستندات و دفاع مدعی علیه

۴ - صدور حکم در مورد دعوی و نگاهداری از آن تا دعوی بی نتیجه نماند

۵ - ابلاغ حکم بمحکوم قبل از اجبار او باجرا

۶ - تعیین طریقی که در صورت امتناع محکوم از اطاعت بحکم برای حکم اتخاذ خواهد شد

۷ - بیان طریقی رسیدن بحق در قبال شخص غایب یا کسی که بدادگاه حاضر نشود.

اعمال کمالیه قانون محاکمات

بعض دستورها هستند که لزوم آنها مثل اعمال ضروریه ظاهر نیست اما انتظام عمل و عدل مقتضی رعایت آنها است

مثل رسیدگی دادگاه بدعاری بر حسب ترتیب و رسیدگی با رعایت تائی که متخاصمین قادر به تهیه مدارک و دفاع از

حق خود کردند و اغفال نشوند و همچنین قاضی بکنه موضوع بر خورده و بااطمینان تمام حکم قضیه را بدهد و در ضمن هم

مراقب شود که این تائی ژاندر حدازوم نبوده و تولید معایبی ننماید و هم چنین وجود طریقه های ثابت و مسلم برای

اثبات قضاای مطروحه تا معلوم شود سیر دعوی بچه نحوه خواهد بود و درجه مدت دعوی باید ثابت شود و درجه

سورت بعات نائل نشدن بشبوت حق تضییع میگردد